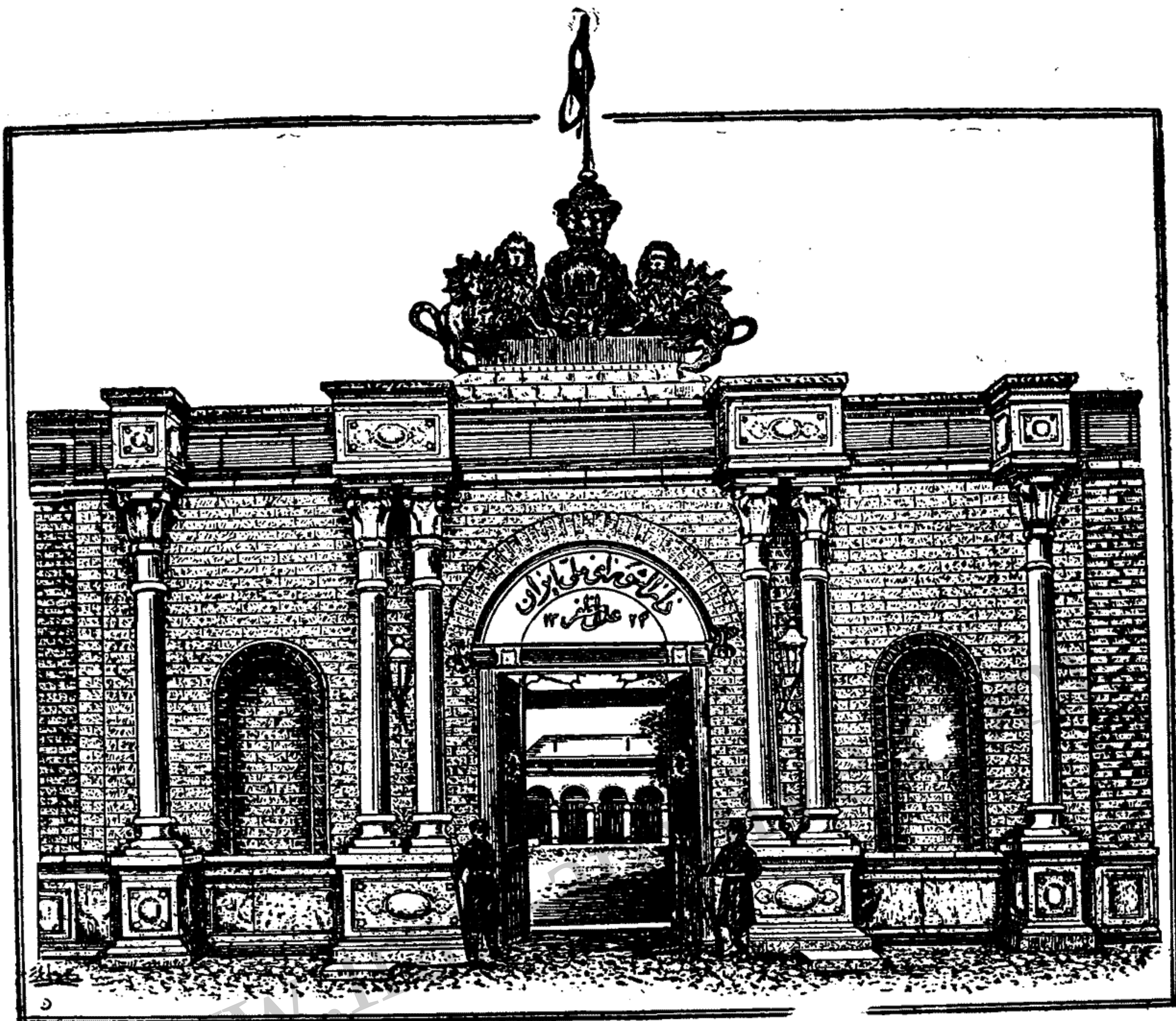




ره هفتم تقنیه

جلسه ۶۶	مذاکرات مجلس	شماره ۶۶
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجمین مهر ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبوعه مجلس	قیمه اشراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۴ مهر ماه ۱۳۰۸ ☆ (۲۲ ربیع الثانی ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) معرفی آقای جلایر بسمت معاونت وزارت مالیه
- (۳) مرخصی آقای خطیبی
- (۴) شوراولمقاوله نامه امانت‌یستی بین دولین ایران واتحاد جواهرشوروی
- (۵) فروش منازل مستغلات انتقالی
- (۶) اضافه حقوق معلمین فرانسوی
- (۷) موقع و دستور جلسه بعد ۱۱ ختم جلسه

مجلس یکساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

(۱ - تصویب صورت مجلس)

صورت مجلس پنجشنبه ۲۸ شهریور ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند ☆ ☆

رئیس - آقای دهستانی

رئیس - آقای فیروز آبادی

دهستانی - قبل از دستور .

فیروز آبادی - قبل از دستور

☆ عین مذاکرات مشروح شصت و ششمین جلسه ازدوره هفتم تقنینیه باستثنای مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

☆ ☆ اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : ملک آرائی - آشتیانی - اعظم زنگنه - احتشام زاده - لرستانی - رحیم زاده - حاج سید محمود - ارباب کیخسرو - تیمور ناش
غائبین بی اجازه - آقایان : وهاب زاده - میرزا حسنخان وثوق - دکتر طاهری - زوار - بوشهری - مسعود - آصف - آقا زاده سبزواری - قوام - حاج رحیم آقا - ظفری - میرزا ابو الفضل - اعتبار - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - قبل از دستور .

رئیس - آقای دشتی

دشتی - قبل از دستور

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم که بنده میخواستم يك توضیحی عرض کنم که بعضی از آقایان که در جلسه گذشته غائب بی اجازه نوشته شده اند علی الرسم است و اجازه خواسته بودند و در کمیسیون هم اجازه آقایان تصویب شده است مثل آقای اعتبار که اجازه خواسته بودند و اجازشان هم تصویب شده است . محض اطلاع عرض کردم .

رئیس - اصلاح میکنیم . آقای اعتبار

اعتبار - بنده هم برای غیبت خودم خواستم عرض کنم که استجازه کرده ام .

رئیس - راپرت کمیسیون عرایض و مرخصی وقتی رسید اصلاح میشود . آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - عرضی ندارم

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟

(گفته شد - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای وزیر مالیه فرمایشی دارید ؟

(۲ - معرفی آقای وزیر مالیه آقای جلایر را)

(بسمت معاونت وزارت مالیه)

وزیر مالیه - آقای جلایر را بسمت معاونت وزارت مالیه معرفی میکنم .

(۳ - مرخصی آقای خطیبی)

رئیس - يك فقره خبر از کمیسیون عرایض و

مرخصی رسیده است قرائت میشود .

(اینطور خوانده شد)

آقای خطیبی نماینده محترم برای انجام پاره امورات مهمه محلی تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ ۲۰ مهرماه نموده اند کمیسیون مرخصی معزی الیه رانصوب و اینك خبر آن را تقدیم مجلس مقدس مینماید .

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم .

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده باید عرض کنم که با مرخصی ها موافقم بخصوص اشخاصی که میخوانند مرخصی بگیرند برای يك کار های صحیحی چیزی که هست می خواهم این عقیده عملی بشود اگر چه بعد از ده سال باشد که هرکس در مقابل عمل حق بگیرد و به این ملاحظه بنده مخالف هستم و خواهش میکنم از آقایانی که میخوانند مرخصی بگیرند بجهت اینکه کار های اینجا سرمشق جاهای دیگر باشد نصف حقوقشان بثلث از حقوقشان یا دولت حقوقشان هرکس باندازه قوتش تخصیص با احتیاجات آن محل بدهند و يك موسسه عام المنفعه از قبیل فقرا مریضخانه بدهند تا اینکه این روح کم کم تولید بشود و در همه جا در سایر ادارات و وزارتخانه ها هیچکس طالب گرفتن حق بدون کار نباشد و اگر هم گرفت بيك کاری زده شود که مثل آنکاري که دارد با بهتر باشد باین ملاحظه بنده مخالفم که بعدها انشاء الله این فکر عملی بشود .

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم تصور میکنم نماینده محترم در این دوره مرخصی نگرفته باشند و همکار محترم بنده آقای

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بمستغلات مطرح است .

(۵ - فروش منال مستغلات انتقالی)

(بضمون ذیل خوانده شد)

خبر از کمیسیون قوانین مالیه مجلس مقدس شورای ملی : کمیسیون قوانین مالیه لایحه نمره ۳۰۶۶ دولت در خصوص فروش منال خاصگی با حضور نماینده دولت مطرح شور و مذاقه قرار داده ماده واحده ذیل را تنظیم و تقدیم میدارد .

ماده واحده - وزارت مالیه اجازه داده میشود که مستغلات انتقالی را که در تصرف مرده است از تاریخ تصویب این قانون ملک اربابی شناخته و از آن قسمت مستغلاتی که مالیاتی دولت قبل از مالیات موضوعه صد پنج در یفت میداشته بملکین متصرف آن مستغلات از قرار تومانی پنجتومن فروخته و قیمت آنرا از سنه ۱۳۰۹ سه ساله بقسط متساوی دریافت نماید .

رئیس - ماده واحده مطرح است و شور اول آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض میکنم که در سنه ۱۳۳۳ قری يك قانونی از مجلس گذشت راجع مالیات مستغلات و صدی پنج مالیات بود در ماده چهارم آن قانون در فقره اول مستغلات دولتی را استثناء کرد از آن مالیات بنده سؤال میکنم از آقای وزیر مالیه که آیا وقتی این قانون مجری شد مطابق صد پنج از مستغلات خاصگی مالیات گرفته اند یا مالیات سابق را میگرفتند ؟ این را بفرمایند آنوقت بنده عرض میکنم اگر مالیات صد پنج میگرفتند که این مخالف قانون است و اگر مالیات سابق را میگرفته اند و این مالیات را امروز هم میگیرند بفرمایند چیست ؟

مرتضی قلیخان بیات (مخبر) -

فیروز آبادی هم که مخالفت فرمودند البته بنده ایشان را تنقید نمیکنم برای اینکه تبعیض نمیکند و بلا استثناء مخالفت میکنند لکن گمان میکنم آقای خطیبی نماینده محترم برای يك کار بخصوص و يك احتیاجاتی است که تقاضای مرخصی کرده اند که باو موافقت شود بهتر است که مخالفت شود و از آقا هم استدعا میکنم که مخالفت خودشان را پس بگیرند و رأي هم بدهند .

رئیس - موافقین با مرخصی آقای خطیبی قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون پست و تلگراف

راجع بلایحه تقدیمی دولت قرائت میشود .

(۴ - شور اول مقاوله نامه امانات پستی بین)

(دولتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی)

(بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون پست و تلگراف لایحه نمره ۷۹۷۲ تقدیمی دولت راجع بمبادله امانات پستی را با دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تحت شور قرار داده ماده واحده تقدیمی دولت را بتبدیل کلمه تصدیق تصویب عیناً تصویب نموده و خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - شور اول و مذاکره در کلیات است . اعتراضی نرسیده است . رأي میگیریم بورود در شور موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . به ماده يك اعتراضی نرسیده است . به ماده دو ، سه ، چهار ، پنج ، شش ، هفت ، هشت ، نه ، ده اعتراضی نرسیده است . به ماده یازده ، دوازده ، سیزده ، چهارده ، پانزده ، شانزده ، هفده ، هیجده ، نوزده ، بیست ، بیست و يك ، بیست و دو ، بیست و سه ، بیست و چهار ، بیست و پنج هیچکدام اعتراضی نرسیده است به پروتکل اختتامیه هم اعتراض نرسیده است رای میگیریم بورود در شور دوم موافقین قیام فرمایند .

خالصجات البته تصدیق میفرمایند دو قسم است یکی خالصجاتی است که مربوط بخود دولت است و اساساً حالا هم در دست خود دولت است. يك قسمی هم هست که منتقل بمردم شده است و در واقع مال مردم است منتهی دولت يك حقوقی از آن خالصجات بر حسب آن فرمان یا بر حسب آن نوشته که داده شده است میگیرد چنانکه در املاک خالصجات انتقالی هم همین ترتیب معمول بوده است. يك املاکی را دولت بمردم انتقال داده بود ولی حقی از آنها میگرفت. اما چون در این اواخر در نظر گرفته اند که کلیه مالیاتها بیک ترتیب و يك نسق گرفته شود و این اختلافات از بین برداشته شود در چندی قبل يك قانونی راجع بخالصجات انتقالی آمد و از مجلس شورای ملی گذشت که بموقع عمل و اجرا گذاشته شد نسبت مستغلات در آن قانون ذکری نشده حالیه که این لایحه قانونی را پیشنهاد کرده اند راجع مستغلات نظرشان این است که آن قسمت از مستغلاتی که انتقال بمردم داده شده و در دست مردم است و دولت يك حقوقی از آنها میگیرد آن حقوق را هم مثل آن خالصجات انتقالی بمردم بفروشد که این اختلاف از میان برداشته شود و کلیه مستغلات همانطور که اظهار فرمودید مطابق این قانون هم در صدی پنج را بدهند و آن حق اضافه را که دولت داشته است و میگرفته است آن حق را بفروشد بکسانی که مستغلات در دست شان است و مالیاتها هم بعد از این يك نسق گرفته شود. راجع بخالصجاتی هم که در دست خود دولت است اگر مالیاتی هم در آن قانون نوشته شده البته از آن قسمت معاف است.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم این لایحه دولت را که بنده مطالعه کردم يك مقدمه ندارد که بنده آن را بخوانم و بدانم که این در کجاست مستغل اراضی خالصه است یا يك دکان است یا مغازه است یا خالصه انتقالی است!! دکان و خالصه انتقالی حقیقه يك چیزی است که بنده

نمی فهمم ...

عدل - در کرمان نیست.

روحی - نوي اراضی خالصه بنا شده است. یا چیز دیگری بوده که معامله خالصه با آن شده است و آیا این دکان در کجای مملکت است. در طهران است یا در سایر جاها است؟ جزو جمش چقدر است؟ و تا این تاریخ چه ترتیبی بوده و چه قسم با آن معامله میکرده اند و از این به بعد چه معامله می کنند؟ بنده عقیده داشتم که اگر این لایحه قدری زین دارتر و صریح تر تنظیم می شد تا قدری رفع این اشکالات را می کرد بهتر بود چون بنده گمان می کنم سارین هم مثل من شاید اطلاعات کافی نداشته باشند اما بالنسبه باصل موضوع بنده عرض می کنم که برای دولت چه اشکالی پیدا شده است که می خواهند يك ملك مسلم و محرز دولت را باین ثمن بخش بفروشند بتومانی پنج تومان!! بچه حق و بچه مناسبت و چه الزامی دارند و چه اضطراری دارند و چه چیز باعث شده است که این حق را مثل خالصجات انتقالی که سالی چهار صد هزار تومان بمملکت ضرر وارد آورد از دست بدهند؟! و چرا از نو در صدد بر آمده اند، و می خواهند این کار را بکنند مطابق عقیده من این بضرر دولت است (عقیده آزاد است) بنده عرض می کنم هر نوع معامله را که تا کنون می کرده اند از این به بعد هم بکنند. بنده عرض می کنم این کرایه که دولت از مستغلات میگیرد و این حقی را که دارد نسبت باین املاک نباید از دست بدهد بشمن بخش - در هیچ جای دنیا حقوق دولت را این قسم نمی فروشند و از دست نمیدهند. شما به بینید کرایه که از مستغلات امروز در این مملکت دارند میگیرند چقدر است از يك مغازه امروزه بیشتر از يك ملك دودانگی کرایه میگیرند و استفاده میبرند و شاید يك ملك دودانگی این فایده را ندهد ...

یکی از نمایندگان - ملك شش دانگی نه دو دانگی

دلایلی هم که اقامه میشد مقنع بود و تقریباً اینطور نشان میداد که دولت يك مراجعه و مطالعه خیلی زیادی در اطراف این قضیه کرده است و بیش از این مقتضی نبوده است. بنده هم تبعیت اکثریت را کردم و لذا در این موضوع هیچ دلیلی عرض نمیکنم لکن در آن قسمت که فرمودید که ملك مسلم دولت را چرا باید باین قیمت بخش بفروشند. اشتباه این جا است که این ملك مسلم دولت نیست اگر ملك مسلم دولت میباشد ... (عده از نمایندگان صحیح است. عده دیگر خیر. خیر. اینطور نیست)

کازرونی - اجازه بفرمائید. اگر ملك مسلم دولت بود ...

روحی - از کجا معلوم است که نیست ...

کازرونی - اگر ملك مسلم دولت بود البته بیسوی مطابق قانونی که داریم بمزایده بگذارند و بر طبق آن قانون رفتار کنند ولی اینطور نیست ملکی است در تصرف مردم و مدعی مالکیت هم هستند که بیداً بیداً بانها رسیده است و دولت از طرف دیگر مدعی مالکیت آن است اما در تحت عنوان انتقال بانها. بالاخره يك مبلغی هم دارد از آنها میگیرد. حالا دولت بری رفع يك اختلافاتی که حاصل شده یا میشود برای رفع این اختلافاتی که در این قضیه پیدا شده و اوقاتی برای حل آن صرف میشود و در مقابل وجوهی که اخذ میشود بیداً ارزش ندارد خواستند این مسئله را هم ترك کنند و ترتیب اخذ همه این مالیاتها را يك نواخت و یکسان کنند بنا بر این حق را بانها می فروشند و در واقع این املاک مال مردم میشود و آن صدی پنج مالیات مستغلات هم مثل سایر املاک اربابی از آنها گرفته میشود اما اینکه فرمودند این املاک در کجاست در بسیاری از نقاط ایران است در طهران در فارس در آذربایجان در بسیاری از نقاط هست. لکن صورت کلیه آنها و کلیه عوائدش نیامده است ولی در هر حال املاک مستغلی که در تحت

روحی - به بخشید این که عرض کردم دو دانگی اشتباه نکردم و مراد همان دودانگی بود نه شش دانگی خواستم شش دانگ را بگویم دیدم خیلی زیاد میشود و اغراق است عرض کنم حضور عالی که باین ترتیب نباید يك املاک مسلم دولت را بیک ثمن بخش بتومانی پنج تومان بفروشند خیلی غریب است!! چه معنی دارد!! و بنده شکایت می کنم از اعضاء کمیسیون که چرا عین همان لایحه دولت که پنج تومان بوده آن را تغییر ندادند و بنده متوقع بودم که در کمیسیون اقلادو تومان باین پنج تومان علاوه می کردند حق این بود که لااقل دو تومان اضافه نمایند حالا که می خواهند یکسان بکنند. چون خالصجات انتقالی فروخته شده است و شما هم می خواهید مالیاتها را یکسان کنید و از برای مالیه طرز فعلی آن اشکالاتی دارد و این لایحه را آورده اید خوب چرا این مبلغ کم را پیشنهاد کردید و چرا در کمیسیون يك مبلغی بآن اضافه نکردید. بنده استدعا میکنم از آقایانی که اطلاع دارند (با آقای وزیر مالیه یا آقای مخبر) يك توضیحی بدهند که این مستغلات چه جور است و روی اراضی خالصه بنا شده است یا غیر از این است بفرمایند و نیز توضیح بدهند که وزارت مالیه چه الزامی پیدا کرده است که این حق مسلم خودش را می خواهند باین مبلغ کم و ثمن بخش بفروشد. خوبست يك توضیحاتی بدهند شاید بنده هم قانع و متقاعد بشوم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - در يك قسمت از اظهارات آقای روحی

بنده هم که در کمیسیون قوانین مالیه

افسر - قدری بلند تر

کازرونی - عضویت داشتم معتقد بودم که صدی پنج

کم است و عقیده داشتم که صدی ده بشود ولی چون بنده مطیع اکثریت هستم اکثریت کمیسیون رأی داد بر طبق لایحه دولت و طرحی که دولت پیشنهاد کرده بود.

این عنوان باشد یعنی از طرف دولت انتقال داده شده باشد با شخص یا بوسیله فرمان یا بوسیله نوشته یا بوسیله گرفتن اجور معینی در سنوات عیدیه این قبیل مستغلات را می خواهند به آنها انتقال بدهند (صحیح است)

رئیس - آقای کیا

کیای نوری - عرضی ندارم.

رئیس - آقای فهمی

فهمی - از توضیحات آقای کازرونی بنده که چیزی ملتفت نشده زیرا که يك جا می فرمایند اینها ملك دولت نیست یا نبوده اگر نبوده پس چه حقی می گرفته ...

کازرونی - من عرض کرده ملك مسلم

فهمی - عرض میکنم که این املاك مثل املاك خاصه انتقالي مستغلاتی است که سابق ملك دولت بوده و منتقل شده است بهر عنوان یا فرمان یا فروش یا غیر آن و امروز در تصرف اشخاص است و مثل املاك خاصه انتقالي دارای يك مالیاتهای است زیادتر از معمول البته همان اصلی را که ما در مورد املاك خاصه انتقالي قبول کردیم و معمول نمودیم در مورد این مستغلات هم عیناً باید قبول کنیم یعنی آنها را از این ساعت یعنی از تاریخ تصویب این قانون ملك اربابی بشناسیم اما از حیث مالیات آنچه را که امروزه بعنوان مالیات میدهند یا مطابق صدی پنج مالیات مستغلات معمولی هست یا کمتر است یا بیشتر است. اگر مطابق معمول است که همان مالیات را خواهند داد و دولت هیچ مطالبه از آنها نمیکند و همان مالیات را از آنها خواهد گرفت و اگر کمتر است البته دولت حق دارد که مالیات آنها را بگیرد و اگر بیشتر است مالیات صدی پنج آن را موضوع کنند و بقیه را از قرار تومانی پنجتومان با آنها حساب کند ولی در این لایحه مطلب درست واضح نشده است اولاً باید قید شود مقصود مستغلاتی است که متعلق بدولت بوده و منتقل شده است با شخص ولی بطور کلی

مستغلات انتقالي اینمطلب را نبرساند. دیگر اینکه آنچه را که تومانی پنجتومان میخرند آن مازاد معمولی باید باشد امروز اگر يك مالیاتی میدهد و اگر آنرا باو بفروشند البته مجدداً مثل سایر املاك آن مالیات صدی پنج مستغلات را خواهد داد مثل سایر مستغلات پس مازاد آن را از قرار تومانی پنجتومان باید بفروشند (نه کلیه را) آنهم سه قسط مساوی در سه سال ولی از مفهوم این ماده این طور بر نمی آید بلکه اینطور استفاده میشود که کلیه مالیاتی را که امروز میدهند باید تومانی پنجتومان بخرند بعد هم مالیات معمولی صدی پنج را بدهند مثل سایر املاك اربابی (مخبر - صحیح است) و این را بنده مخالفم چنانکه در مالیات املاك خاصه انتقالي هم ذکر شده بالاخره بصورت اربابی هم گسه در بیاید تا حد نصاب مالیات معمولی ملکی حقی است که دولت باید بگیرد طرف هم باید آن را بدهد و آن میزان را دیگر معامله نمی کنند خرید و فروش هم نمیکند بلکه آن اضافه بر حد نصاب را که میخواهند از تأدیه آن معاف بشوند آن اضافه را می خرند در همین مورد هم بنده این عقیده را دارم و پیشنهادی هم در این خصوص تقدیم خواهم کرد تا این قضیه اصلاح شود مخبر - این اظهاری را که آقای فهمی فرمودند نظر کمسیون همان بود که در لایحه و خبر کمسیون اظهار شده و ایشان هم از لایحه استنباط کردند و فرمودند. چرا؟ چون ما بین خالصات املاك انتقالي و مستغلات انتقالي مثل دکاکین و مغازه ها و غیره يك تفاوتی بزرگی است بجهت اینکه خالصاتی که املاك بوده است با مستغلات يك تفاوتی زیاد دارد. مثلاً خالصاتی که سابقاً املاك بوده يك مالیاتی بدولت می پرداخته علاوه بر مالیات دولتی يك منافعی هم از آن خالصات عاید می شده ولی حالا اگر دقت بفرمائید و حساب بکنید می بینید از روی آن چیزی که در سابق ممیزی شده است امروز ابدأ آن عایدی را مطابق آن ممیزی سابق ندارد بلکه بطور کلی کسر هم کرده است

و در عایداتش نکس حاصل شده است. بر عکس در مستغلات. اجازه مستغلات نسبت بسابق خیلی ترقی کرده است و مالیاتش امروزه خیلی بسابق فرق دارد اگر در ده سال قبل مستغلی پنجتومان اجازه میداده است امروزه پنجاه تومن میدهد و آن مبالغی را که باید بدولت بدهند از روی همان مالیات و عایدات سابق ملحوظ میکنند در صورتیکه امروز عایدات آنها خیلی زیاد تر شده است و باید زیاد تر بدهند و روی همین نظر بوده است که آن اختلاف نظری را که آقای کازرونی فرمودند در کمسیون پیدا شد و بعضی ها معتقد بودند که باید تومانی پنجتومان بیشتر بفروش برسد چون عایدی آن نسبت بسابق زیاد تر شده است و با خالصات ملکی خیلی تفاوت دارد ولی از نقطه نظر اینکه دولت تومانی پنجتومان را پیشنهاد کرده بودند و مالیات را در واقع خسارج کرده بودند یعنی این هیچ حساب نکرده بودند صدی پنج را از آن کسر کنند. کمسیون هم باین نظر دولت موافقت کرد که در واقع این يك تفاوت قیمتی با خالصات پیدا می کند که آن تفاوت عبارت از همین مالیات صدی پنجی است که داده میشود یعنی آن حقوقی را که دولت از آن خالصات و از این مستغلات دریافت میکرده است آن را عیناً می فروشد ب مردم و تومانی پنجتومان میگیرد و این صدی پنج را هم البته تصدیق می فرمائید که يك مالیات جدیدی است و مستغلات سابقاً این مالیات را هم نداشت این جدید است و همانطور که سایر مستغلات يك صدی پنجی بدولت میدهند این املاك هم بعد خواهند داد و آن حقوقی که دولت از این مستغلات می برده و آن مالیاتی را که می گرفته است از قرار تومانی پنجتومان میفروشد ب مردم و گمان می کنم بصرفه مردم هم باشد و البته دیگر مقتضی نیست که ما مالیات را هم ازش کسر کنیم و از مازاد تومانی پنجتومان بگیریم

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده موافقم.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی (در محل خود) - عرض کنم که در این

لایحه ...

رئیس - آقا برای تند نویسان مشکل است بشنوند

تشریف بیاورید این جا.

دهستانی (پشت کرسی خطاب) - بطوری که بنده

اطلاع دارم اغلب مردم گرفتار این مستغلات انتقالي بوده اند عرض کنم که در بعضی از جاها که خالصات انتقالي بوده است و مطابق قانون خالصات انتقالي با آنها عمل میشده است ضمناً يك مستغلاتی هم بوده است. وزارت مالیه در آن جا بمضيقه افتاده است. این عرض را هم از برای این می کنم که این جا يك مستغلاتی کسی ندارد. این لایحه برای این بوده است که وزارت مالیه در مضيقه بوده که با این جا چه معامله بکند باین آفتاب و این لایحه را تقدیم مجلس کردند ولی بنده عقیده ام این است که تبعیض نباید قائل شد يك با مردم و هوا نیست که همانطوری که خالصات انتقالي را الان عمل می نمایند مالیات مستغلات انتقالي هم همانطور باشد بنده نمیدانم چرا تبعیض باید بشود! اینجا می نویسد که عوائد مستغلات را پنج برابر بکنند و بگیرند یعنی تومانی پنجتومان ولی در اینجا گفته میشود که باید آن صدی پنج مالیات مستغلات را کسر کنند و بقیه را تومانی پنجتومان بگیرند. بعقیده بنده در این لایحه لازم است همانطوری که ما برای خالصات انتقالي قائل شدیم که بعد از وضع قانون ممیزی یعنی صدی سه و نیم در اینجا هم باید قائل شویم بعد از وضع صدی پنج مالیات مستغلات اربابی بقیه را دولت بفروشد.

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است - عده

دیگر - خیر کافی نیست)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - نظر مخالفت بنده در این جا این است که در این جا کم کم دارد این لایحه ... آقای مخبر هم خوبست توجه داشته باشند. مثل لایحه دعاوی دولت بر افراد و افراد بر دولت میشود. چون این جا هیچ معین نشده است که این مستغلات انتقالی مطابق چه ترتیبی است و کدام است. فردا مأمور دولت مأمور مالیه می آید درب خانه من و درب دکان دیگری و میگوید که مالیات مستغلات انتقالی را بده. این جا هم معین نشده که این خالصجات انتقالی مطابق چه میزانی و چه ملاکی است. از آن طرف می فرمایند ما اطمینان داریم بمأمورین مان. بنده اطمینان ندارم تا موقعی که صورت ضمیمه در این جا بیاید و تا در کمیسیون قوانین مالیه معین نشود که چه املاکی خالصه یعنی مستقل انتقالی است و چه ترتیبی دارد و بچه ملاک و مدرک شناخته میشود بنده نمی توانم ... مگر یادت رفته. کجا هستی. نمیدانی آلان راجع بخالصه انتقالی چه آتشی بر جان مردم است که دچار چه زحمتی هستند در ولایات آقای بیات ... این را ما صاف و پاک از این جا بیرون میدهم بعد خودشان هر کاری بکنند بکنند! بنده با این ترتیب بجمل مخالفم و عقیده ام این است که مجلس محترم هم موافقت بفرمایند که بیشتر صحبت بکنیم آقای وزیر مالیه هم تشریف دارند معاون محترم شان هم هستند عقاید ما را در این باب بفهمند و بدانند. از این جهت بنده مخالف هستم با کفایت مذاکرات و باید فهمید که چه دفتری و چه مدرکی را می خواهند اعتبار بدهند برای تشخیص مستغلات انتقالی.

مخبر - این صحبتی را که آقای آقا سید یعقوب فرمودند اگر دقت در این راپورت می فرمودند میدیدند که در کمیسیون خیلی راجع باین موضوع مطالعه و تدقیق شده است و رفع اشکال ایشان را کمیسیون کرده و در راپورت ذکر کرده است. يك دكاين و مستغلانی از طرف دولت

مردم انتقال داده شده و امروز این املاك در دست مردم است و دولت يك مالیاتی می گرفته حالا میخواهد برای يكسان کردن مالیات این اضافه مالیاتی که میگردد بآنها بفروشد و آنها هم مثل سایر مستغلات صدی پنج از این ببعدهند. در اینجا اگر لایحه دولت را ملاحظه بفرمائید خودشان برای رفع اختلاف ترتیب حکمیت را پیش آورده بودند و در قسمت آخر لایحه ذکر کرده بودند که رفع اختلافات بحکمیت رجوع میشود ولی مادر کمیسیون مذاکره کردیم دیدیم این قسمت اصلاً محتاج بحکمیت نیست زیرا که در این جا ما نوشته ایم در قسمت اول بوزارت مالیه اجازه داده میشود که مستغلات انتقالی را که در تصرف مردم است از تاریخ تصویب این قانون ملك اربابی بشناسد و مستغلانی که مربوط بدولت بوده و انتقال داده شده بمردم از تاریخ تصویب این قانون ملك اربابی بشناسد. خوب این جا که هیچ محل اختلاف نیست که بخواهند بحکمیت رجوع نمایند از تاریخ تصویب این قانون آنها را ملك اربابی بشناسد خیلی خوب آنوقت يك مالیاتی را که دولت می گرفته است از مردم آن را هم تومانی پنج تومان بمردم بفروشد و پولش را از مردم بگیرد این جا اگر چنانچه يك مستغلی از طرف دولت بمردم انتقال داده شده و مالیاتی هم از آنها گرفته نمی شده امروز اربابی شناخته میشود مطابق این قانون و چیزی هم ازش گرفته نمیشود اگر هم مالیاتی می داده است آن مالیات را تومانی پنج تومان دولت میفروشد بآنها و ملك اربابی شناخته میشود و البته تصدیق میفرمائید که ترتیب مالیات دادن و مالیات گرفتن مثل ترتیب خالصجات انتقالی نیست که اسباب اختلاف و اشکال باشد برای اینکه اینجا اصلاً در ترتیب اختلاف مالیات و زیادی و کمی مابین مردم اختلاف میشود چون سابق بر این املاك خالصه انتقالی مالیات دولتی هم داشت و چون مالیات دولتی داشت ما بین ملك اربابی و ملك خالصه تفاوتی گذاشته نمیشد و مابین دولت و مردم يك مشاجره و گفتگوئی پیدا میشد. اما در قسمت

مستغلات اینطور نیست سابقاً مستغلات مالیات نداشت که باعث اختلاف مابین مردم و دولت بشود هر مستغلی که قبل از این صدی پنج یا يك چیزی بدولت میداده است معلوم میشود که این مستغل دولتی بوده است (بجهت اینکه سابقش که انتقالی نبوده و دولتی نبوده هیچ اشکالی نبوده) آن اضافه مالیات را دولت میفروشد و پولش را میگیرد و بنابر این هیچ اختلافی مابین دولت و مردم پیدا نمیشود که محتاج به حکمیت یا يك مواد دیگری باشد. مستغلانی که سابقاً مالیات میداده است معلوم میشود مال دولت بوده است و دولت آن اضافه مالیاتش را میفروشد از قرار تومانی پنج تومان و هیچ اختلافی هم پیدا نمیشود تا محتاج به حکمیت بشود و اشکالی هم باقی نیست.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

روحی - کافی نیست.

رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی میدانند قیام فرمایند
(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست. آقای عدل

عدل - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسف هستم که از دوره چهارم که آمدم از همان نماینده های دوره چهارم و دوره پنجم و دوره ششم عده ایشان هستند یکی از آنها خود آقای سهام السلطان هستند که تشریف داشتند از همان موقع این خیال در کانون دماغ همه مان بود که يك نوعی بکنیم که مالیات مستقیمی را که دولت میگیرد که عبارت از مالیات نقدی و جنسی است این در تحت يك قانون بیاید که بعد از آنکه آن قانون از مجلس گذشت عموم مردم مطابق آن قانون آسوده باشند این

بود که هي خیال کردیم مدتی در اطراف قانون ممیزی افکار خودمان را تجمع دادیم و قانون نوشتیم و خود آقایان بهتر میدانند که قانون ممیزی در موقع اجرا چه بلایی بود بجان مردم (بعضی از نمایندگان - صحیح است) در هر جا که قانون ممیزی نفی بحال دولت داشت آن را گرفتند و در هر جا که در زمان نادر شاه مثلاً يك ده خرابه بود یا در زمان صفویه فلانقدر مالیات میداده است همان مقدار مالیات را میگرفتند هر چه میگفتند آقا اصلاً اثرش هم تغییر کرده است آنوقت مثلاً فلان بوده اند حالا فلان شده اند گفتند خیر زمین همان زمین است این قانون ممیزی مان بود که همه مان میدانید و دیدید. هر دوره آمدید دویست هزار تومان اعتبار دادید برای اجرای قانون ممیزی نتیجه اش آن بود که در کشو میز وزارت خانه ها و در کمیسیون عرایض و در اطاق هر کس از نماینده ها که دارای ترتیب جدید و میز و اینها دارند هست این یکی راجع بقانون ممیزی آمدم در قانون خالصه انتقالی که در دوره ششم گذشت اینجا محل اختلاف بود نظر عده این بود که حقیقه دولت را کم کم از مالک بودن دستش را کوناه کنیم که دولت دیگر مالک نباشد نمی دانستیم در دوره هفتم می آیند حتی جنسهای مردم را هم جمع میکنند حالا نظر این است که يك قانونی بعنوان خالصجات نوشته شود و این املاکی را که بعنوان خالصه انتقالی دولت همیشه در فشار است و مردم هم در فشارند يك ترتیبی قرار بدهند که دولت راحت بشود. و همانجوری که آقای فهمی در اینجا اظهار کردند اگر مالیات آنها بیشتر است بچه ترتیب رفتار شود (بسه قسط که معین شده بفروشد و ترتیب آن را بدهند) اگر مالیاتشان کمتر است ترتیب دیگری بدهند چون در مقام عمل بطوریکه بنده اطلاع دارم خیلی شکایت در این باب شده است مخصوصاً در طرف فارس و گرمسیرات فارس که یکقدری اغتشاش و اینها شد راجع بهمین قسمت ها بود جالا که بحمدالله اصلاح شد و این قسمت ها صاف شد و دارد جریانش

صاف میشود و اصلاحات هم یدش رفته است در اینجا حالا آمده است در تعقیب همان قانونی که هنوز آتش بجای مردم است این قانون آمده است چون در آن قانون دعوی دولت بر مردم و دعوی مردم بر دولت در آنجا « نایش » که نماینده وزارت مالیه بود آوردیم چون او جزو جمع قدیم را مستحضر بود همان دراز نوس های قدیم میگفتند فرما (و چقدر خوب چیزی بود و این کرد نویسی های حالا اسباب زحمت شده است) او را آوردیم که جزو جمع مناط است ؟ رقبه محمد شاهی مناط است ؟ رقبه ناصرالدین شاهی مناط است ؟ دفتر جزو جمع مناط است ؟ چه چیز را ما مناط قرار بدهیم نامطابق آن دفتر ما بیائیم آن را تشخیص بدهیم که مال دولت چه میشود و مال دهاقین چه میشود ؟ و مطابق آن تشخیص معین کنیم . آنجا مدتها در این باب صحبت کردیم و چهار قسم دفتر اظهار کردند دفتر شیخه دفتر جزو جمع دفتر ایالت و صحبت ها شد در آنجا باز هم نتوانستیم توافق پیدا کنیم و نتوانستیم بیک جایی منتهی بکنیم گذاشتیم که در فراکسیون یا در مجلس اگر موفق بشویم در اینجا ها يك كاری بکنیم . راجع باین لایحه هم آقای مخبر محترم فرمودند بنده این عرض را میکنم بنده خیلی متأسفم که این عرض را میکنم برای اینکه به مجرد اینکه این قانون رفت بدست مامورین مالیه (مامورین طهران را عرض نمیکند که کفر گفته باشم) مامورین خارج را عرض میکنم به مجردی که يك خرده بوی قانون داشته باشد باقیش را دیگر خلاف قانون میکنند . اینجا نوشته است مستغلات انتقالی بنده نمیدانم که از اول سلطنت قاجاریه به بعد همینجور مستغلات انتقالی بوده است مثلاً عمارات کریم خان برپا است اینها تمام خالصه است دیگر . مثلاً فارس عمارات سلاطین زندیه که در آنجا سلطنت کرده اند بازار و دکاکین و حمام دارند کاروانسرا دارند همینجور جاهای دیگر مثلاً مال صفویه است بعد از آن مال قاجاریه هست بعد از آن به این ترتیب این دکاکین و این حمام

ها و این عمارات مال دولت است در آن ادوار تاریکی که ما میدانیم مجلس شورای ملی نبوده است هیئت وزراء مسئولی نبوده است مشروطه نبوده است حکومت ملی برپا نبوده است (یعنی حکومت ملی که ما داریم) در این دوره ها يك ترتیبانی واقع شده است انتقالی واقع شده است و فرامینی صادر شده است و يك دکاکین و کاروانسرا و اینها از بین رفته است اما باید بفهمیم که صورت اینها چیست و چه اندازه در ایالت فارس مثلاً خالصه انتقالی است یا در ایالت آذربایجان وزارت مالیه چه اندازه خالصه انتقالی دارد در ولایات ساحل بحر خزر از استرآباد تا آستارا چقدر خالصه انتقالی دارد این وزارت مالیه باین عربی و طویلی با هفت کرور بودجه نمیتواند این صورت را تنظیم کند ؟ اینرا تنظیم کند بیاورد و ضم این لایحه بشود وقتی که ضم شد برود در کمیسیون قوانین مالیه که هم تکلیف دولت معین شود و هم تکلیف مؤدیان مالیات و هم تکلیف ما این را بر سبیل مطلق بفرومائید بنده این را عرض میکنم (ترس ندارم) وقتی که سوء ظن دارم باید رفع شود اطمینان کامل هم بدولت دارم اطمینان بشخص آقای فرزین دارم که بقدری که توانائی دارد نمیکند از قانون تخلف بشود ولی اطمینان بایشان سلب تکلیف از بنده نمیکند که بنده داد خودم را تزم بنده عرض میکنم با اینصورت تنظیم نشود که رجوع بدفاتر جزو جمع بکنند ببینید در این ایالت و ولایت ایران چه اندازه ما مستغلات انتقالی داریم بعد این صورت ضمیمه را ضم باین لایحه نکنند که يك لایحه صحیحی بشود که هم ما در رأی دادنش راحت باشیم و هم اهالی در موقع اجرا تا اینطور نشود فایده ندارد و باین ترتیب مطلق و بطور اجمال و ابهام در موقع اجرا هم مجری قانون گیر می افتد و هم کسانی که توضیح دهنده قانون هستند . ولی حالا که ما وقت داریم مجلس کار ندارد میتواند این ها را جرح و تعدیل بکند و هم کمیسیون قوانین مالیه کار ندارد این صورت را با صورت جزو جمع مفصل بنویسند با مال ولایات و بیاورند يك قانون مفصل صحیحی رأی بدهیم که بموقع عمل گذاشته

شود و الا با این ترتیب همان گرفتاری ها در ضمن عمل پیش می آید این عقیده بنده است و يك پیشنهادی هم در همین زمینه دارم که تقدیم مقام ریاست میکنم . وزیر مالیه - در اساس مسئله که توضیحات بقدر کافی از طرف آقای مخبر داده شد دیگر لازم نیست حالا بنده می فهمم که آقای آقا سید یعقوب معطلی شایسته فقط در دفتر و صورت است که اسامی و نقاط محل ها معین شود اگر میدانستم مقصود این مسئله بود که واقعاً و قعماً هم زیاد تلف نمیشد . این ممکن است البته صورت را تهیه کرد و داد اگر اجازه بفرومائید میرود به کمیسیون و در کمیسیون هم مطالعه میشود . بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است یاسائی - با کفایت مذاکرات مخالفم . بعضی از نمایندگان - دو شوری است . رئیس - آقای ناصری

ناصری - مخالفت بنده از نقطه نظر دیگری است . و اگذاری مثال دولت باشخاص برای استفاده که میکنند نیست . تصور میکنم صورت خالصجات انتقالی و مستغلات را اگر در کمیسیون ملاحظه میکردید اغلب این خالصجات با يك مثال جزئی واگذار شده است دولت هم مالك این مستغلات بوده است . قانون مستغلات البته الزام میکند که صدی پنج مالیات معمولی را بدهد ولی حقیقه هیچ تطبیق نمیکند این مستغلی را را که در بعضی جاهای مثلاً خراسان است به ارزشی که دارد در برابر يك مبلغ خیلی کمی بتصرفین فعلی واگذار میشود عقیده بنده این بود که اقلاً در حدود ده برابر مالیات سابقش واگذار بشود و بنده نمیدانم در کمیسیون آیا مالیات مستغلات را از نقطه نظر مقدار مالیات هیچيك از آقایان اعضاء محترم کمیسیون ملاحظه فرموده اند یا نه ؟ این مستغلاتی که باشخاص در سابق واگذار شده است در مقابل مثال دولت در واقع مثال دولت

یعنی حقوقی که دولت میگرفته است واگذار شده است باشخاص خیلی جا ها اصلاً دولت حقوق نداشته است و بعنوان سربرداری باشخاص واگذار کرده است فرض بفرومائید يك مستغلی که در حدود سی چهل هزار تومان ارزش داشته است در مقابل بیست تومان سی تومان باشخاص داده شده است حدود مالیات سابق مستغلات اینطور ها است شاید کمتر مستغل باشد که به صد تومان واگذار شده باشد در اینصورت پنج برابر پنج بیست تومان صد تومان يك مستغل فوق العاده گرانبهائی را منتقل کردن باشخاص بعقیده من يك بی انصافی است نسبت باملاك در ایران به همان استدلالی که آقای مخبر فرمودند املاك يك حالت خیلی آسف انگیزی دارد و هر جا در نتیجه خشکسالی در نتیجه يك آفت ارضی و سماوی مالکین آنها محتاج يك خرج های فوق العاده شده اند و خیلی املاکي هم هست که جزو جمعی صدخوار بوده است امروز از عهده ادای پنجاه خروار هم برنماید قانون ممیزی هم درواقع موجب اصلیش این بوده است شکایت مالکین این بوده است در قسمت مستغلات بنده بقین دارم که صورت مستغلات (بنده تشخیص ندادم) تصور میکنم جواب آقای مخبر محترم به آقای آقاسید یعقوب خیلی اقناع کننده بوده است چون اگر مالیاتی میداده است آن شخص مالیات بده خود این مالیات دادن تصدیق بر انتقالی بودن این مستغل است ولی از نقطه نظر مالیات يك قدری از قاعده خارج است آنچه بنده از سوابقی که در مالیه دارم و کار میکردم اطلاع دارم مالیات این مستغلات خیلی خیلی ناقابل است شاید کمتر از این مستغلات باشد که از دویست تومان تجاوز بکند در صورتیکه اراضی خیلی مهم و مستغلات فوق العاده مهمی بوده است مخبر - این لایحه دو شوری است و البته در بین الشورین هم چند روزی طول میکشد آقای وزیر مالیه هم فرمودند که آن صورت را بفرستند در اینصورت رائی که باید گرفته شود راجع بشور اول آن رأی گرفته شود بعد در ضمن

شور دوم که میخواهیم ترتیب لایحه بدهیم آنصورت هم در کمیسیون ملاحظه خواهد شد و راجع به تفاوت قیمت هم که آقای ناصری فرمودند این البته يك قيمتی است که بسته بنظر مجلس است دولت پیشنهاد کرده است تومانی پنج تومان کمیسیون هم با اینکه مالیاتش را خارج کنند موافقت کرد البته اگر آقایان نظری داشته باشند این يك چیزی است که مربوط بنظر آقایان و مجلس است ممکن است پیشنهاد بکنند هر طور که مجلس قبول کرد البته رفتار خواهد شد.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

یاسائی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

یاسائی - عرض میشود که این قانون مهمی است همان اندازه که قانون خالصجات انتقالی اهمیت داشت این قانون هم اهمیت دارد منتهی دولت خیلی کوچکش کرده است و در ضمن يك ماده واحد آورده است مجلس و آقایان هم نوجهی نکرده اند حالا که مذاکره میشود متوجه میشوند که همان اهمیت را دارد اینچنان نوشته است دولت مجاز است که مستغلات را بفروشد ولی اگر صد و پنجاه سال قبل در رقبه نادری يك دکان باحامي را پیدا کرده است آن را هم بفروشد؟! بموجب این قانون این جور میشود و شما هیچ مرور زمانی قائل نشده اید در آن جا ما گفته ایم که سی سال و بیست سال مرور زمان املاك خالصه انتقالی باشد و بالاخره اختلاف راجع به حکمیت بشود. این جا مقصود دولت این بوده است که هر مستغلی به هر نحوی در دست هر کس هست حالا که رقبه پیدا کردند بفروشد و تومانی پنج تومان از مردم بگیرد ولی مال دوست سال قبل را هم بگیرد؟! ما مخالف این هستیم. بالاخره باید يك مرور زمانی برایش قائل شد اگر مقصود این است که مطابق قانون خالصه انتقالی باشد باید در خود ماده واحد قید شود. آن موادی که در قانون خالصه انتقالی هست

راجع به حکمیت مثلاً اگر يك مستغلی وقف بر مسجد است مطابق آن قانون باید به مصرف همان مسجد برسد ولی در اینجا ساکت است و همینطور سایر مواردی که در قانون خالصه انتقالی است و بنظر بنده این را باید يك مواد دیگری برایش تنظیم کرد و از صورت ماده واحد بودن کمیسیون درش بیاورد و تنظیم بکند برای شور ثانی تقدیم مجلس نماید.

مخبر - آقای یاسائی معلوم میشود در موقعی که بنده توضیحاتی در جواب فرمایشات آقای آقا سید یعقوب دادم توجه فرمودند. بنده عرض کردم مابین خالصجات ملكی و خالصجات مستغلی خیلی تفاوت است. خالصجات ملكی سابقاً هم يك مالیاتی میداده است ملاحظه بفرمائید كلیه املاك يك مالیاتی بدولت میداده است هم املاك اربابی و هم خالصه انتقالی هر دو دارای يك مالیاتی بوده اند حالا که میخواهند تشخیص بدهند يك اشکالاتی مابین دولت و مردم پیدا میشود مردم می گفتند این ملك مال من است دولت میگفت مال من است البته روي يك اصولی دولت میگفت یعنی از روی رقبات و البته ما محتاج بودیم که يك موادی بگذرانیم و مرور زمان و حکمیت هم برایش قائل بشویم و تمام این طرق را در نظر بگیریم. اما در قسمت مستغلات عرض کردم اینطور نیست برای اینکه مستغلات قبل از این مالیات صدی پنج هیچوجه مالیات بدولت نمیداده و مالیات نداشته مستغلات اربابی قبل از مالیات صدی پنج هیچوجه مالیات نمیداده و اگر يك مستغلی مالیات میداده معلوم میشود این بواسطه يك حقی بوده که دولت در آن مستغل داشته است حالا هم ما از تاریخ تصویب این قانون آن مستغل را اربابی می شناسیم اگر يك حقی دولت از آن مستغل میگیرد فرض بفرمائید يك مستغلی را دولت سالی صد تومان میگیرد سالی صد تومانش را دولت تومانی پنج تومان میفروشد.

اگر يك مستغلی در اصل مال دولت بوده است و انتقال داده است دولت از او چیزی نمیگرفته است ما از این تاریخ آن را اربابی می شناسیم (یاسائی - این را ننوشته اید راجع به حکمیت مثلاً اگر يك مستغلی وقف بر مسجد است مطابق آن قانون باید به مصرف همان مسجد برسد ولی در اینجا ساکت است و همینطور سایر مواردی که در قانون خالصه انتقالی است و بنظر بنده این را باید يك مواد دیگری برایش تنظیم کرد و از صورت ماده واحد بودن کمیسیون درش بیاورد و تنظیم بکند برای شور ثانی تقدیم مجلس نماید.)

بنویسید که واضح باشد) پس هیچ اختلافی بین مردم و دولت باقی نمی ماند تا ما حکمیت و آن قسمت ها را قائل بشویم برای اینکه مخصوصاً در لایحه دولت حکمیت هم نوشته شده است ولی برای اینکه ما خواستیم رفع این اشکال بشود و هیچوجه بین مردم و دولت اختلاف پیش نیاید آن حکمیت را برداشتیم لکن از تاریخ تصویب این قانون کلیه املاك را اربابی می شناسیم و اگر يك حقی دولت میگیرد آن را میفروشد و آن حق هم البته تصدیق میفرمائید يك چیزی نیست که سبب اختلاف باشد بجهت اینکه بر ترتیب سنواری قبوض مالیاتی معمول بوده است ده سال بیست سال سی سال که مالیات میداده قبضش را گرفته است البته معلوم است حالا هم ملك است و اگر نمیداده است که حالا هم چیزی از او نمیگیرند و گمان نمیکنم اختلافی پیش بیاید که محتاج به حکمیت و این ترتیب باشد.

ملك آرائی - حالا مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادی از آقای فهمی رسیده است قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که لایحه از دستور خارج شود و بکمیسیون عودت داده شود تا تکمیل کنند و به مجلس پیشنهاد کنند.

رئیس - بفرمائید

فهمی - چون بنده ملاحظه میکنم در اصل موضوع مخالفتی نیست لکن با این ماده که بطور ناقص پیشنهاد شده است نظریات مخالف است و يك ماده بیشتر نیست ما هم حالا باید رأی بدهیم بشور ثانی و البته اشخاصی که مخالفت دارند ممکن است رأی ندهند در صورتی که خیال رد کردن این لایحه را هم ندارند این را برای تسهیل امر ممکن است از دستور خارج کنند برود بکمیسیون در آنجا مطالعه کنند آقای وزیر مالیه هم

ممکن است حاضر شوند و توضیحات بدهند و لایحه را ندمین و ثانیاً بمجلس تقدیم کنند که اسباب اشکال نشود مخبر - بنده از آقای فهمی انتظار نداشتم که این پیشنهاد را بفرمایند برای اینکه خودشان ترتیب مجلس را بهتر میدانند و کاملاً مطلعند که کمیسیون باید نظریات مجلس را به بینند و در آنها دقت بکنند تا از روی آنها بتواند يك پیشنهاد جدیدی بکند و شور اول و دوم هم که قرار داده شده برای همین است بنده عجلتاً با کمیسیون چطور میتواند بفهمد که نظریات آقای فهمی به سایر آقایان چیست پیشنهاد برای همین نظریه است چرا دستور خارج شود بنده عرض کردم مطابق جریان مجلسی در این جا رأی گرفته میشود برای شور دوم البته چون به اصل همه موافقت رأی میدهند بعد اگر نظریاتی دارند پیشنهاد میدهند پیشنهادات هم میرود بکمیسیون در کمیسیون پیشنهادت را دقت میکنند نظر دولت را هم جلب میکنند و صورت را هم میخواهند بعد موافق جمیع نظریات لایحه را تنظیم میکنند و در دفعه ثانی اگر اختلاف نظری باشد البته ممکن است بفرمائید ولی حالا کمیسیون نظریه آقایان را هیچ نمیداند و دو مرتبه مجبور است روی اصل نظریه خودش راپورت بدهد آنوقت دو مرتبه که لایحه می آید در همین اختلافات در بین هست بنابر این خواهش میکنم آقای فهمی هم موافقت بفرمایند و پیشنهادشان را مسترد بدارند و آن نظریاتی را که دارند پیشنهاد کنند که برود بکمیسیون تا کمیسیون از روی آن نظریات يك ترتیب جدیدی را اتخاذ کند.

فهمی - بنده پیشنهاد را پس میگیرم اما رأی نمی دهم.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده واحد این شکل نوشته شود: مستغلات انتقالی مشمول خالصجات انتقالی است مگر

از حیث مالیات آتیه تابع مقررات قانون مستغلات است
مؤید احمدی
پیشنهاد میکنم صدی پنج مبدل صدی هفت شود
ع . روحی

مقام ریاست معظم

تبصره ذیل را بماده واحده اضافه مینماید :

تبصره - در صورتیکه مالیات جزء جمعی مستغلات
علاوه بر اضافه عوائد سالیانه آن باشد وزارت مالیه مکلف
است میزان مالیات را نصفه عوائد سالیانه قرار بدهد
دهستانی

مقام ریاست مجلس دامت عظمه

این بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده بشرح ذیل
تنظیم شود :

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود که
مستغلات انتقالی را از تاریخ تصویب این قانون ملک
اربابی شناخته و بعد از وضع صدی پنج مالیات مستغلات
بقیه جزو جمعی را تومانی پنجتومان بمصرفین فروخته
و قیمت آنرا از سنه ۱۳۰۹ سه سال به سه قسط دریافت
دارد دهستانی

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده به نحو ذیل
اصلاح شود :

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود
که مطابق قانون بیستم اسفند ۱۳۰۶ مستغلات انتقالی
را که در تصرف مردم است از تاریخ تصویب این قانون
الح باسائی

بنده پیشنهاد میکنم عوض عبارت دولت مجاز است نوشته
شود دولت مکلف است عدل

بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده بطریق ذیل
نوشته شود :

ماده واحده - مستغلانی که سابقاً متعلق بدولت
بوده و فعلاً در تصرف مالکانه اشخاص است از تاریخ
تصویب این قانون ملک اربابی شناخته میشود و راجع

بمالیات تابع مقررات قانون مالیات مستغلات خواهد بود
ولی هرگاه مالیات فعلی آنها بیشتر از صدی پنج عایدات
سالیانه باشد مازاد آن را از قرار تومانی پنج تومان از
دولت خریداری نموده و قیمت را از اول ۱۳۰۹ در
ظرف سه سال تادیه نمایند فهیمی

پیشنهاد میکنم در ماده اول این نوع اصلاح شود :

مستغلات انتقالی مطابق صورت ضمیمه که در تاریخ
اجراء این قانون الخ یعقوب الموسوی

دو تبصره ذیل را پیشنهاد مینمایم :

تبصره (۱) مستغلانی که در باغ و اراضی خالصه
انتقالی ساخته شده است مالیات آن اراضی از قرار تومانی
پنجتومان دولت مکلف است بفروشد

تبصره (۲) - اراضی خالصه شهری که در تصرف
اشخاص است و دولت حق الارض یا جاره دائمی از آنها
میگیرد دولت مکلف است بمصرفین از قرار تومانی
پنجتومان بفروشد صادق خواجوی

پیشنهاد میکنم پس از عبارت صدی پنج در یافت میداشته
عبارت ذیل اضافه شود یا فعلاً حق الارض سالیانه بامال
الاجاره از آنها میگرفته الخ عدل

پیشنهاد میکنم قسمت اخیر ماده واحده بشرح ذیل
اصلاح شود :

و از آن قسمت مستغلانی که دولت قبل از مالیات
موضوعه صدی پنج مستغلات مالیاتی در یافت میداشته
الی آخر احتشام زاده

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم بجای از قرار تومانی پنجتومان
نوشته شود از قرار عشر قیمت عادله فعلی مستغل فروخته
الی آخر ناصر

مقام ریاست عالی دار الشوری ملی دامت عظمه

بنده پیشنهاد میکنم که میزان صدی پنج بصدی چهار
تبدیل و تعیین شود اورنگ

مقام عالی ریاست مجلس مقدس دامت عظمه
بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده این قسم تنظیم شود :

دولت مالیات مستغلات خالصگی که از تاریخ این
قانون پانزده سال قبل عمل خالصگی میکرد ملک اربابی
شناخته و اضافه مالیاتی که بعد از وضع مالیات صدی پنج
مستغلات تومانی پنجتومان بقسط متساوی سه ساله بمصرفین
آنها بر گذار نماید سید مرتضی وثوق

رئیس - آقایان موافقین با ورود در شور دوم
قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون بودجه راجع
باضافه حقوق معلمین

(بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۱۳۲۴۰ راجع بکریه
منزل معلمین را مطرح ویس از مذاکرات لازمه ماده
واحده ذیل را تصویب و بعرض مجلس میرساند

ماده واحده - وزارت معارف مجاز است علاوه بر
حقوقی که در قانون ۹ تیر ۱۳۰۸ برای استخدام
دوازده نفر معلم فرانسوی منظور گردیده است در صورتیکه
مقتضی بداند بهر يك سالیانه دوست و پنجاه تومان از
محل اعتبار مصوبه هذه السنه مدارس متوسطه بابت کرایه
منزل تادیه نماید

رئیس - ماده واحده مطرح است . آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - بنده اساساً نسبت بکمک و مساعدت درباره
معلمینی که جالب میشوند استخدام میشوند کاملاً موافق
هستم ولی وزارت معارف يك اصلی را که روی هم رفته
کهنه شده بود در جریانهای دولتی آن اصل را تجدید
میکند و آن عبارت است از تبعیض سابق بر این گفته
میشد که اگر چنانچه مثلاً وزارت مالیه حقوق اعضاء
و مستخدمین خودش را زود تر میدهد بمناسبت
این است که معمولاً بهلوی بخاری است و هر کس نزدیکتر

به بخاری است زود تر گرم میشود این يك اصل شده بود
و بالاخره در نتیجه جریانهای اخیر و مراقبت شدید
اعلیحضرت و دقت دولت راجع باین موضوع این اصل از
بین رفت و معدوم شد زیرا همه مستخدمه دولت و همه
یکسان هستند و اگر در باره کسی می بایستی رعایتی
بشود و تسهیلاتی فراهم بیاید نسبت بسایرین هم که
در ردیف او هستند بایستی همین طور رعایت شود يك
عده از معاین را وزارت معارف استخدام کرده است
اعضای از آنها در طهران هستند و بعضی از آنها در ایالات و ولایات
و این ترتیب تبعیض میشود زیرا از طرف وزارت معارف
نسبت به معلمینی که دائماً آنها را می بیند و خدمت
آنها را دقت میکند رعایت تسهیلات را میکنند در بره
آنها در حالی که معلمین دیگری هستند که استخدام
شده اند در ایالات و ولایات و بسیاری از آنها هم
هستند که در جاهائی که نسبتاً وسائل زندگی فراهم
نیست امرار معاش می نمایند و خدمت خودشان را داده
میدهند . وزارت معارف آن توجهی را که باید در بره
عموم معلمین یکسان بدارد و مخصوصاً نسبت به معلمین
خارجی ندارد و این ترتیب سبب میشود که معلمین
اروپائی که استخدام شده اند و در نقاط مختلفه هستند
از کار دلسرد میشوند من باب مثل و برای جلب نظر
معاون محترم وزارت معارف عرض میکنم که دو نفر از
معلمین خارجی استخدام شده اند برای مدرسه صنعتی فرس
اولاً سوابق تحصیلی آنها در وزارت معارف هست علاوه
بر اینکه تحصیلات در مدارس عالی صنعتی داشته اند در
دارالمعلمین صنعتی هم تحصیلاتی داشته اند و دیپلمه دار معلمین
صنعتی بران هستند و نهایت میل هم حاضر شده اند ببران
بیایند و در يك مدرسه جدید التأسيس خدمت نمایند
و البته بودجه مدرسه هم کم بود بعلاوه فرق میکند يك
مؤسسه را که دولت بخواند راه بپندازد یا اشخاص
متفرقه زیرا در بدو امر دولت مستخدمینی را که
بخواند بیاورد البته حقوق زیاد میدهد همینطور که
می بیند ولی اگر اشخاص عادی بخوانند معلمینی یا

اعضاء و مستخدمین دعوت نمایند رعایت تناسب بودجه را هم می نمایند. نسبت بین دو نفر معلم این رعایت هم شده است یعنی معلمینی که شاید این قدر معلومات و تحصیلات نداشته باشند در وزارت معارف استخدام شده اند برای مدارس طهران و حقوق زیادی که آقایان تصویب فرموده اند و لازم هم بوده است بآنها داده میشود ولی نسبت بین دو نفر معلم یکی از آنها هم مدیر مدرسه است (مدیر فنی مدرسه است) و هم معلم آلمانی است ماهی دویست تومان میگیرد و دیگری که معلم تجاری است با ماهی صد و پنجاه تومان آنها در شیراز زندگی میکنند همه ما ها میدانیم که در طهران وسائل زندگانی آنها برای اروپائی ها بیشتر فراهم است تا در ایالات و ولایات معدنک آنها تحمل کرده اند و واقعاً خدمت کرده اند و ممکن است آقایان کم و بیش مستحضر باشند که این مؤسسه آرام آرام میرود که خودش را برای مملکت ایران مفید بکند و مورد استفاده واقع شود اینها هم جوانهای لایقی هستند برای کرایه منزل آنها بنده دقت کردم دیدم در شیراز برخلاف طهران یا اصفهان خانه کرایه کم و گران است در اصفهان طهران و اغلب نقاط ایران مردم خانه های میسازند و کرایه میدهند ولی در شیراز هرکس خانه دارد فقط برای سکونت خودش است برای معلمین خارجی زحمت بود تهیه منزل. يك منزل با كمك یکی از دوستان برای آنها تهیه شد و نشستند برای کرایه منزل آنها در بودجه امسال مدرسه که از تصویب مجلس گذشته است يك مبلغی منظور شده چون بودجه مدرسه درست نیست بیست هزار تومان بود و وزارت معارف نمیتوانسته است با پیشنهاد مدرسه تغییر و تبدیلی راجع بمخارج بدهد يك مبلغی هم برای کرایه منزل آنها پیشنهاد شد اما مطابق جریان محاسباتی و مالیاتی میگویند ممکن نیست چون يك چنین قانونی لازم داشته است حالا این يك موضوعی است که ششماه تمام در وزارت معارف بنده با وزیر معارف و رئیس محاسبات صحبت میکنم حالا آقایان يك

لایحه روی همین احتیاج تنظیم کردند برای دوازده نفر معلمینی که بهلوی خودشان در مدارس طهران استخدام شده اند بدون اینکه دقت کنند که يك معلمینی هم هستند در اطراف ایران آنها هم يك چنین احتیاج فاحشی را دارند اگر استحقاق دارند درباره آنها هم منظور شود اگر استحقاق ندارند در استحقاق این آقایان هم باید دقت شود بالاخره يك لایحه تنظیم کرده اند بمجلس فرستاده اند بدون مطالعه اطراف امر کمیسیون هم با يك حسن نیت تصویب کرده است بعقیده بنده این عمل سبب میشود که معلمین دیگر از کار دل سرد شوند. سبب میشود که تصور بکنند وزارت معارف برایش نزدیک و دور فرق میکند همین طوری که در جاهای دیگر خیل نمیکند برای وزارت معارف نزدیک و دوری هست در ایران هم نباید دور کنند و باید معتقد باشند که در برابر وزارت معارف مدرسه که در مرکز هست با فلان مدرسه که در برانجان یا چاه کوتا یا ابهر است هیچ فرق نمیکند همین طوری که معلمین مدارس طهران باید غنی و راحت باشند تا بتوانند با امور خودشان برسند معلمین مدرسه زرقن فارس هم بایستی خیالشان راحت باشد بکارهایشان برسند بنده يك پیشنهادی هم در این خصوص تنظیم کرده ام و تقدیم مقام ریاست میکنم بعقیده بنده وزارت معارف باید بیشتر از این در تعمیم ترقی معلمین و محصلین سعی نماید که تبعیض در کار نباشد تا اینکه مدارس رو به مرقره ترقی بکنند و مدارس ما مطابق احتیاجی که داریم پیشرفت کند معاون وزارت معارف -- فرمایشانی که آقایان نمائنده محترم فرمودند باید تصدیق کرد که شاید مجلس در این لایحه نبود زیرا که ما يك لایحه آوردیم برای كمك خرج عده معلمینی که جدیداً میخواهیم کمترت کنیم و آقایان وارد شدند در وضعیت زندگانی معلمینی که در فلان جا هستند. ما اگر میخواهیم يك آدم اداری باشیم بایستی حتی به معلمین داخلی هم اجازه ندهیم که مرجعی غیر از وزارتخانه متبوعه شان داشته باشند ولی متأسفانه

ما می آئیم این امری که اختلال بمور اداری وارد میکند خرده خرده بمستخدمین خارجی هم نشر میدهم که شما میتوانید بمقامات غیر مسئول غیر از همین مقدمه مستقیمی که شما مسئول آن هستید مراجعه کنید....

همراز -- آقا این چه حرفی ست میزنید اولین مقدمه مجلس است

(همهمه نمایندگان)

آقا سید یعقوب -- ای داد بیدد مشروطیت ازین رفت. مجلس حق حرف زدن ندارد

(همهمه نمایندگان - صدای زنگ رئیس)

معاون وزارت معارف -- آقا اجازه بدهید من حرفم را بزنم....

یاسائی -- میفهمی چه میگوئی؟ (با حرارت)

(همهمه نمایندگان)

آقا سید یعقوب -- یعنی چه این حرفها چیست؟ (در اینموقع چند نفر از آقایان نمایندگان با همهمه و داد و فریاد از مجلس خارج میشوند)

معاون وزارت معارف -- آقا من چه گفتم عرض کردم تبعه خارجه....

یاسائی -- نه دیدم یکی (با حرارت) و این دفعه ایست که يك معاون اینطور پشت تربون در مقابل نمایندگان ملت حرف میزند تو مسئول من هستی (با حرارت)

کازرونی -- چرا بازی در می آوری (خطاب بمعاون) حرفت را تمام کن آقا

آقا سید محمد تقی طباطبائی -- این صحبتها چیست؟

پور محسن -- (با حرارت) حرفت را بزن

کازرونی -- مگر چه گفت آقا؟ چرا نمیگذارید حرف بزنند!!

(در اینموقع مجدداً چند نفر دیگر از آقایان)

(نمایندهکان از مجلس خارج می شدند)

معاون وزارت معارف -- اگر بنده خلاقی عرض کرده معذرت میخواهم بنده عرض میکنم مرجع نظم مجلس شورای ملی است بکنفر تبعه خارجه باید بمجلس که مرجع نظام او است مراجعه کند.... (صحبت بین نمایندگان)

کازرونی -- صحیح است آقا صحیح میگوئی آقا مسئول وزیرخانه است

معاون وزارت معارف -- بکنفر تبعه خارجه باید مرجع خود نظم کند اگر ما رسیدگی نکردیم البته باید به مجلس شورای ملی که مرجع نظامات است مراجعه کنند اما راجع بكمك خرجی که میفرمایند ما وضعیت معلمین را در تمام نقاط مملکت می بینیم و معلمین خارجی را هم جدیت میکنیم که وضعیتشان معتدل و بر طبق زندگی عمومی باشد و این دوازده نفر هم معلمینی هستند که برای کرایه خانه شن....

رئیس -- آقا عده برای مذاکره کافی نیست.

(۶ -- موقع و دستور جلسه بعد -- ختم جلسه)

عسائی -- بنده پیشنهاد ختم جلسه میکنم

رئیس -- اگر موافقت بفرمایند جلسه را ختم میکنم جلسه آئینه یکشنبه هفتم مهر ماه سه ساعت قبل از ظهر.

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -- دادگر